

بنشین خوش بچشم ما بستان
 خورشید کاروب را فرو فرم
 نیست جز باران زین فانه
 مستفق جان بین بکمانه
 نفس منصفه حسنه حجابت
 لمن الملكات خود هر گوید
 مطرب جان نواز خرم گذار
 که جهان سر بر سر بر نهاده چو پست
 هر که عکس جمال طلعت کرد

جلوه نوردانست می بینم
 عکس چو کرات دست نازم
 جلوت صفت میر بینم
 در کوشی در بدولت سپاسم
 در دیدم لایکات می بینم
 روز شرب دار دانت می بینم

سقیم در داد از آن لطیف
 انکه نشد حریف این شتم
 انکه شد خادم سر اسخان
 بخت بد ما غمش در شد
 خنک شدم که ز شفاه جمل
 دفتر دل کشورم و دیدم
 که جهان سر بر سر بر نهاده چو پست
 هر که عکس جمال طلعت کرد

جنبه است مطلع انوار
 طالع کس زلف و ما فرست
 ره ناما لعنه بر عود
 چشم زوم نوز ما باشد
 سینه است مخزن سرور
 جعد طلمات در لید نهار
 راه نزن مالطه طراد
 سر زوم دیده کرد لولاه بازار
 بنشین خوش بچشم ما بستان